

Grounded theory, generating a theory based on context and literature

Amin Abdemojiri¹ ✉

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Technology and Engineering, University of Qom, Qom, Iran.

ABSTRACT

Appropriate research method to analyze various data in architecture is one of the researchers' challenges in this field. The most important point in this area is finding a way to promote the researcher potency for using simultaneously case studies and the literature. This can be done in the methods that are based on the context of architecture and try to construct a theory from it and analysis of the literature. Perhaps In some cases, the hypotheses obtained during the investigation. Therefore, several solutions have been presented that one of the successful examples is grounded theory. Grounded theory is a method based on the data derived from the context and its systematic analysis in front of other theories. This paper tries to present the capabilities of this method in base on current researches in various fields. For this, by comparative studying various research, principles, disciplines and the process of grounded theory will be identified. What is important for researchers in analysis of this method is considering the stages and the guiding principles of a grounded theory research that are hierarchically accomplished.

ARTICLE HISTORY

Received 27 May 2026
Received in revised form 11 September 2026
Accepted 13 September 2026
Available online 23 September 2026

KEYWORDS

theory generating,
research method,
research context,
case and theory in research,
grounded theory

CONTACT Amin Abdemojiri ✉ a.abdemojiri@qom.ac.ir

Abdemojiri, A. (2026). *Grounded theory, generating a theory based on context and literature*. *Bonyan: Strategic Research in Islamic Architecture and Urbanism*, 1(3), 120-135.

DOI: <http://doi.org/10.22091/bonyan.2026.16140.1025>

© 2026 The Author(s). Published by University of Qom.

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives License

(<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits non-commercial re-use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited, and is not altered, transformed, or built upon in any way. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

گراند تئوری، تولید نظریه بر مبنای متن و ادبیات تحقیق

✉ امین عبدمجیری^۱^۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه قم، قم، ایران.

چکیده

روش تحقیق مناسب در تحلیل داده‌های مختلف معماری از جمله چالش‌های پژوهشگران این حیطه محسوب می‌شود. مهم‌ترین نکته در این عرصه یافتن روشی برای ارتقای توان محقق در استفاده هم‌زمان شواهد میدانی و درعین‌حال نظریات و ادبیات موضوع تحقیق است. این امر بر پایه روش‌هایی می‌تواند صورت پذیرد که تعهد به متن معماری را موردتوجه قرار دهند و سعی بر تبلور یک نظریه بر مبنای آن و تأیید پیشینه تحقیق داشته باشند و چه‌بسا در مواردی فرضیه‌ها نیز در طی تحقیق به دست می‌آیند. از همین رو راه‌حل‌های متعددی ارائه شده است که از نمونه‌های موفق آن روش گراند تئوری است. گراند تئوری روشی بر مبنای داده‌های برآمده از متن و درعین‌حال تحلیل سیستماتیک آنها در مواجهه با سایر نظریات است. در این مقاله سعی در ارائه توانمندی‌های این روش بر مبنای تحقیقات جاری در حوزه‌های مختلف است. جهت این امر بامطالعه تطبیقی پژوهش‌های متعدد، اصول و محورهای روش مذکور شناسایی و روند کلی آن ترسیم می‌شود. آنچه در انتهای مقاله و پس از بررسی این روش برای پژوهشگران مفید واقع خواهد بود تدوین مراحل و اصول هدایت یک تحقیق زمینه‌گرا است که به‌صورت سلسله‌مراتبی به انجام می‌رسد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

کلیدواژه‌ها

تولید نظریه،

روش تحقیق،

متن تحقیق،

مصادق و نظریه در تحقیق،

گراند تئوری

CONTACT Amin Abdemojiri ✉ a.abdemojiri@qom.ac.ir

عبدمجیری، الف. (۱۴۰۴). گراند تئوری، تولید نظریه بر مبنای متن و ادبیات تحقیق. بنیان: پژوهش‌های راهبردی معماری و شهرسازی اسلامی، ۱(۳)، ۱۲۰-۱۳۵.

DOI: <http://doi.org/10.22091/bonyan.2026.16140.1025>

© 2026 The Author(s). Published by University of Qom.

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives License

(http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/), which permits non-commercial re-use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited, and is not altered, transformed, or built upon in any way. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

۱. مقدمه

توجه هم‌زمان به نمودهای عینی و مطالعات کتابخانه‌ای از دغدغه‌های همیشگی پژوهشگران عرصه معماری و شهرسازی محسوب می‌شود. این موضوع به‌ویژه در سال‌های اخیر که پژوهش‌های دوره دکترا از اهمیت بیشتری برخوردار شده اهمیت دوچندانی یافته است. بسیاری از محققین سعی دارند تا با استناد به آنچه در واقع صورت می‌پذیرد به دیدگاهی مستقل دست یابند که بتواند آنها را در نحوه استفاده و ارتباط با نظریات و تئوری‌های پیشین نیز کمک رساند تا بدین‌وسیله یافته آنها نیز از اعتبار و پشتوانه علمی مناسبی برخوردار باشد. قدرمسلّم چنانچه این مسیر از استانداردهای لازم و علمی برخوردار نباشد می‌تواند پژوهش و پژوهشگر را به نکاتی خلاف واقع و انحرافی راهنمایی کند. از این‌رو روش‌های متعدد علمی موردتوجه قرار گرفته است که سعی در ارائه چارچوبی برای دستیابی به محتوایی قابل‌استناد دارند. یکی از این روش‌ها روشی است با نام گراند تئوری^۱ که طی دهه اخیر در خاستگاه عموماً جامعه‌شناسی رشد و به سایر علوم نیز وارد شده است.

گراند تئوری که در این نوشتار از آن با نام روش زمینه‌گرایی یاد خواهد شد، از جمله روش تحقیق‌هایی است که در طی چند دهه اخیر در علوم مختلف از جمله معماری در سطح دانشگاه‌های معتبر موردتوجه قرار گرفته است. این روش به واسطه تأکید بر بررسی‌های میدانی و نوع توجه آن به‌مرور ادبیات موضوع، توانمندی بالایی در شناخت محدوده‌های جدید پژوهشی در خود داراست. روش مذکور در حقیقت بر روندی تأکید می‌نماید که معمولاً به‌صورت پراکنده در برخی پژوهش‌های معماری و شهرسازی نیز دیده می‌شود که بعضاً به سبب عدم انسجام و پیروی از روشی علمی معمولاً با آسیب‌هایی همراه هستند. به همین سبب در این نوشتار قصد بر آن است تا با بررسی ابعاد مختلف روش مذکور لایه‌های اساسی آن موردتوجه قرار گرفته و چگونگی کاربرد آن بر اساس پژوهش‌های مختلف تبیین شود. امید آن می‌رود تا پژوهشگران بر پایه نکات ارائه شده در این مقاله اطلاعات مناسبی از روش تحقیق مذکور به دست آورند.

۱.۱. کلیاتی درباره روش زمینه‌گرایی

روش زمینه‌گرایی در ابتدا توسط دو جامعه‌شناس به نام‌های گلیزر^۲ و اشتراوس^۳ و در نتیجه تجربه‌ای که در مطالعه بیماران در حال مرگ داشتند، بنیان‌گذاری شد. (Overton, 2010:3878) این روش بیش از همه در درک فرایندهای اجتماعی مورداستفاده قرار می‌گیرد. (Brand et al., 2011:206) هر چند روش مذکور در طی دهه‌های متمادی مورداستفاده قرار گرفته و به‌مرور استفاده آن شدت نیز یافته است، اما بااین‌همه گراند تئوری صرفاً در یک‌زمان مشخص ایجاد نشده و به‌مرورزمان دارای شاخه‌ها و نسخه‌های تکمیلی خود گردید. پس از سال ۱۹۶۷ میلادی که کتاب کشف زمینه‌گرایی توسط مبدعان آن یعنی گلیزر و اشتراوس به چاپ رسید، به‌مرور در میان این دو وجه افتراق‌هایی به وجود آمد و با ارائه دیدگاه اشتراوس و کوربین در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۸ این مسئله بروز بیشتری یافت و پس از آن انتقادهای گلیزر را در نوع رویکرد ارائه شده به همراه داشت. در سال ۲۰۰۰ خانم چارماز^۴ با ارائه دیدگاه جدید خود بر مبنای روش «ساخت‌گرا»^۵ پرده دیگری از آن را به نمایش درآورد.

۱ Grounded Theory Method

۲ Barney Glaser

۳ Anselm Strauss

۴ Kathy Charmaz

۵ Constructivist

این دیدگاه‌ها و نظرات متعدد همچنان نیز بر توسعه خود کوشش دارند و بعضاً می‌توان شاهد نقطه‌نظرات جدیدی در خصوص مبانی، تکنیک‌ها و سایر وجوه آن بود.

اما آنچه مهم است نکات تأکیدی این روش و تفاوت‌های آن نسبت به سایر روش‌های تحقیق است که همچنان اعتبار و کارایی آن را حفظ نموده است.

اینکه زمینه‌گرایی با چه هدفی تدوین شد و چه حاصلی دارد در این بیان کوتاه می‌گنجد که این رویکرد یافته‌های اصیل و غنی ارائه می‌دهد که ارتباط نزدیکی با اطلاعات دارند. (Cathy, 2001:2) زمینه‌گرایی بیش از همه بر فرایند تأکید دارد و با در نظر گرفتن زمان و توصیف مراحل مختلف یک پدیده امکان بررسی و تغییر آن را میسر می‌سازد. به عبارتی هدف تنها معنی‌دار نمودن اطلاعات کیفی نیست، بلکه هدف تعیین ارتباط بین طبقات مفهومی و شرایطی است که تحت آن شرایط، ارتباطات تئوریک بدست آمده، تغییر کرده و یا برقرار می‌شود. چنیتز و سوانسون (۱۹۸۶) زمینه‌گرایی را رویکردی سیستماتیک برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی به منظور تولید نظریه‌ای تبیینی می‌دانند که درک پدیده‌های اجتماعی و روانی را ارتقا می‌دهد. (Roberts and Clarke, 2009:355)

هدف از زمینه‌گرایی بررسی عمیق اعمال بالینی، رفتارها، عقاید، طرز فکر افراد و گروه‌ها، به همان نحوی است که در زندگی واقعی آنان رخ می‌دهد، به گونه‌ای که به روشن‌سازی فرایندهای اجتماعی در آن عرصه منجر شود. نتیجه این روش نشان‌دهنده مجموعه‌ای از مقوله‌های به‌خوبی توسعه یافته (به عنوان مثال تم‌ها و مفاهیم) است که به طور سیستماتیک مرتبط هستند. آن هم از طریق بیان روابط به شکل یک چارچوب نظری که برخی پدیده‌های نسبی اجتماعی، روانی، آموزشی، پرستاری و یا پدیده‌های دیگر را توضیح می‌دهد. راهبردهایی که در زمینه‌گرایی به محقق ارائه می‌شود به عنوان کمک برای تجزیه و تحلیل است و نه به عنوان نسخه روش‌مند. (Westcott et al., 2000:174)

عده‌ای حداقل در عمل علاقه‌مند هستند تا زمینه‌گرایی را در تحقیقات کیفی محدود سازند. این در حالی است که گلیزر (۱۹۹۹) خود بیان می‌کند: در برخی محافل پژوهش، زمینه‌گرایی، پژوهشی کیفی، مرتبط با تعامل نمادین در نظر گرفته شده است. این نوعی از محدود کردن آن است. او همچنین در طی یک کنفرانس اظهار داشت: "اجازه دهید واضح بگویم. زمینه‌گرایی یک روش کلی است. می‌توان آن را بر روی هر گونه اطلاعات و یا ترکیبی از داده‌ها استفاده نمود." (Cathy, 2001:16) به عبارت دیگر با وجود آن که زمینه‌گرایی بیشتر برای داده‌های کیفی استفاده می‌شود روشی است که می‌تواند برای داده‌های کمی یا کیفی و یا هر دو مورد استفاده قرار گیرد. این روش در درجه اول برای جامعه‌شناسی توسعه داده شد، اما از آنجاکه به عنوان یک روش مولد مطالعه رفتار انسان است، برای استفاده توسط سایر حرفه‌های مطالعه رفتار انسان نیز مناسب است. هدف از این روش، تولید تئوری با استفاده از رویکرد استقرایی است. (Anderson, 2006:330)

زمینه‌گرایی دو معنی دارد: اول آنکه شامل توجه زمینه‌گرایی در تجارب، گزارش‌ها و زمینه‌های محلی است. هدف از این رویکرد به عنوان مولد یک گزارش معنی‌دار است که به دقت نشان‌دهنده ماهیت پیچیده جهان شرکت‌کنندگان باشد. دوم، اصطلاح زمینه‌گرایی برای توصیف یک روش خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد که شامل راهبردهای تحلیلی خاص فرموله شده برای اداره و محسوس ساختن داده‌های کیفی بد ساختار است. (Westcott et al., 2000)

با استفاده از روش زمینه‌گرایی، می‌توان مواد و مصالح خود را بدون هیچ فرضیه قبلی مورد بررسی قرارداد. (Mattsson and Maliniemi-Piispanen, 2011:31) در حالی که این روش می‌تواند بخش عمده‌ای از ادبیات موضوع مورد بررسی را پس از نظریه پسین توسعه یافته انجام داد. (Cathy, 2001:12) در این حالت محقق هیچگاه کار خود را با یک تئوری آغاز نمی‌کند، بلکه با مطالعه، کار شروع شده و اجازه می‌دهد موارد مربوط به آن عرصه خود را نشان دهند. نتیجه مورد انتظار از مطالعه گراند تئوری یک نظریه در حال ظهور است که از اطلاعات به دست آمد و نه از استنتاج تئوری‌های موجود. (Hamid et al., 2012:666) این نکته تا آنجا مهم است که همین اطلاعات تعیین می‌کند چه چیزی را باید در تحقیق جستجو نمود؟ چه مطالعاتی باید مرور شوند؟ چه سؤالاتی باید در تحقیق مطرح شوند؟ تعداد مشارکت‌کنندگان در تحقیق چقدر باشد؟

در یک بیان دقیق تعریف زمینه‌گرایی نیازمند زمان است، نیازمند زنجیره‌ای از تجزیه و تحلیل‌های ارتباط یافته با سایر نظریه‌ها است و در نهایت، نیازمند اعتماد است. گلنزر روش زمینه‌گرایی را یک پدیده «اقدام تأخیری» نامیده است که در آن یافته‌های مهم پس از آنکه شخص با داده‌ها برای مدتی زندگی می‌کند، ظهور می‌یابد. (Cathy, 2001:15)

در بیان کتی چارماز روش زمینه‌گرایی عبارت است از دستورالعمل سیستماتیک و درعین‌حال انعطاف‌پذیر برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی به منظور ساخت نظریه برپا شده از خود داده‌ها. (Overton, 2010:3879) به عبارت دیگر زمینه‌گرایی به عنوان یک فرایند مستمر و در حال حرکت به جلو و عقب بین داده‌ها و توسعه نظریه در نظر گرفته می‌شود، آن‌چنان‌که خود نظریه‌ی پدیدار شده به طور مستقیم جمع‌آوری داده‌ها را از طریق یک فرایند کدگذاری و روش‌های نمونه‌گیری نظری هدایت می‌کند. (Gee et al., 2006:215) این روش بیش از آنکه یک مجموعه از یافته‌ها باشد، توضیحی در مورد پدیده ارائه می‌دهد. زمینه‌گرایی یک رویکرد استراتژیک جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل است که شامل مجموعه‌ای از روش‌ها، تکنیک‌ها و مفروضات مرتبط با کشف تئوری عملی است. این تکنیک‌ها شامل استقرا تحلیلی، مقایسه مستمر و جستجو برای موارد انحرافی است (Kelly, 2010:288) و به سبب همین سازوکار می‌تواند به محققین در ممانعت از مفاهیم پیش‌فرض قبل از تجزیه و تحلیل داده‌ها کمک کند و می‌تواند بینش جدیدی به موضوع تحقیق ایجاد کند، آن‌چنان‌که محققین در نظریه فعلی با یک تفسیر خاص محدود نمی‌شوند. (Iaquinto, 2011:709) در زمینه‌گرایی، هدف ضبط تمام بازخوردهای یک پدیده نیست، بلکه جمع‌آوری مجموعه‌ای از شاخص‌های توصیف دهنده جنبه‌های مختلف یک مفهوم مدنظر است. (Westcott et al., 2000:174) بنابراین مهم است درک این نکته که روش زمینه‌گرایی یک راه برای کدگذاری داده‌ها است و لازم است که در میان سایر رویکردها برای تجزیه و تحلیل و کدگذاری داده‌ها دیده شود. (Cathy, 2001) باین‌وجود توصیه ویژه‌ای شده است تا محققین با دقت به داده‌های خود نزدیک باشند، به نمونه‌گیری نظری به جای نمونه‌گیری آماری تأکید کنند، در جستجوی موارد منفی باشند که ممکن است نظریه‌شان را رد کند و نسبت به "وقایع مذکور" آگاه باشند. (Laberg et al., 2001:175) شرح روابط توضیح می‌دهد که چه کسی، چه چیزی، چه زمانی، کجا، چرا، چگونه و با چه عواقبی در مورد یک رویداد رخ می‌دهد.

زمینه‌گرایی بر اساس سه مسئله یعنی: تعامل، رویه محور و نتیجه مدار پایه‌ریزی شده است و داده‌ها را برای مخاطبان قابل فهم می‌سازد (Gavarehski et al., 2012)؛ (Alipour et al., 2011) و بر طبق روند مقایسه مستمر، تجزیه و تحلیل داده‌های توصیفی، ایجاد مقوله‌ها و یادداشت‌برداری نظری به منظور انتزاع روابط آنها، درک پدیده مورد بررسی را شکل می‌دهد. (Sward, 2012:107) شاید از مهم‌ترین دلایل ظهور این روش این است که اگر در مورد یک موضوع اطلاعات کمی وجود دارد و نظریه‌های کمی برای توضیح یا پیش‌بینی رفتار یک گروه در دسترس است، زمینه‌گرایی یک روش بسیار مفید است. (Kidd et al., 2011:156) به عبارتی عامل اصلی مؤثر در تمرکز بر استفاده از روش گراند تئوری، کمبود ادبیات موضوع در دسترس است که از طریق آن مفهوم‌سازی مطالعه مورد نظر و اطلاع از آزمایش فرضیه‌ها صورت می‌گیرد. (Overton, 2010:3878) نکته منحصربه‌فرد در روش زمینه‌گرایی آن است که به منظور تولید یک نظریه، یک فرایند پژوهشی انعطاف‌پذیر و خلاق به شدت مورد نیاز است که به موجب آن می‌بایست فرایندهای تجدیدنظر به طور هم‌زمان صورت گیرد و با نوشتن یادداشت‌ها در طی تجزیه و تحلیل هدایت شوند. (Hamid et al., 2012:666) این نکته قدرت زمینه‌گرایی است که محقق را به سمت فکر کردن مفهومی در مورد مقوله‌ها و مفاهیم مبتنی بر داده‌ها هدایت می‌کند. (Toner et al., 2012:10)

۲. مبانی

زمینه‌گرایی یک راه حل ارائه می‌دهد: مجموعه‌ای از روش‌ها و ابزار تولید تئوری، آن‌چنان‌که به طور گسترده استفاده می‌شود و شهرت آن به عنوان روشی در دسترس و کاملاً توضیح داده شده در تحقیق کیفی رشد کرده و می‌کند و برخی محققین اشاره کرده‌اند که امروزه دیدگاه زمینه‌گرایی در گسترده‌ترین حالت در چارچوب تفاسیر کیفی علوم اجتماعی استفاده می‌شود. (Thomas and James, 2006)

در این نظر زمینه‌گرایی یک روش کیفی است و اصطلاح "زمینه‌ای" اشاره دارد به اینکه این نظریه بر داده‌های تجربی استوار شده است و هنگامی که نظریه بر داده‌های تجربی مبتنی باشد، با پژوهش ارتباط بیشتر خواهد داشت. (Sward, 2012:106) پس از تصمیم برای استفاده از روش زمینه‌گرایی، پرهیز از تعصب در جمع‌آوری داده‌ها مهم است. (Overton, 2010) از همین رو دو اصل زیر بنایی در مطالعاتی که از روش زمینه‌گرایی استفاده می‌کنند وجود دارد. اول، اینکه مطالعه باید بیشتر بر ظهور نظریه از داده‌ها تأکید کند تا تئوری که بر داده‌ها تحمیل می‌شود.

دوم، اینکه مطالعه باید بر فعالیت‌های زندگی روزانه افراد مورد مطالعه تمرکز داشته باشد، همان‌گونه که آنها دستخوش تغییرات بزرگ در زندگی می‌شوند و از داخل و خارج بر این فعالیت‌ها اثر می‌گذارند. (Ononeze et al., 2009:357) کتاب کشف زمینه‌گرایی (۱۹۶۷) نیز توسعه نظریه بر پایه داده‌ها را به‌جای استنتاج فرضیه از تئوری‌های موجود پیشنهاد می‌کند. (Overton, 2010)

گلیزر می‌نویسد: "تجارب پس‌زمینه آموزش و یادگیری یک شخص برای حساسیت محقق در رسیدگی به برخی گستره‌های پرسش مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما بازهم توانایی تحلیلگر در استفاده از کدگذاری‌های نظری ریشه در تفکر جامعه‌شناسی وی دارد، چنانچه این امر از نقطه نظر عقل سلیم افراد عامی هوشمند تفاوت می‌کند." (Anderson, 2006:334) حکم مطرح در مورد ادبیات موضوع به نظر می‌رسد عمدتاً جهت اطمینان از اینکه پژوهشگر رویکرد استقرایی را به‌جای رویکرد قیاسی در پیش گیرد، طراحی شده است و بیشتر به داده‌ها توجه کند به‌جای تحمیل ایده‌های از قبل تعیین شده بر داده‌ها. (Cathy, 2001:3) این حالت نتایج حین اجرا مسیر پژوهش، روش، مفاهیم و نظریه‌هایی که ممکن است دقت و صحت یافته‌ها را بهبود بخشد و پاسخ سؤال اصلی پژوهش را شکل خواهد داد، را تعیین می‌کند. (Overton, 2010:3879)

موقعیت اجتماعی ساخت‌گرایان پایه و اساس زمینه‌گرایی است. (Gurd, 2008:123) به نظر می‌رسد که هر دو اثر گلیزر - اشتراوس و اشتراوس - کوربین، در زمان‌های مختلف و گاهی اوقات به طور هم‌زمان برپساپوزیتیویسم و تفسیرگرایی تکیه کرده‌اند. مادیل، جردن و شرلی به طور کاملاً متعادل‌کننده‌ای استدلال می‌کنند که موضع فلسفی هنگام استفاده از زمینه‌گرایی بستگی دارد به گستره یافته‌های در نظر گرفته شده برای کشف از داده‌ها و یا گستره یافته‌های در نظر گرفته شده به‌عنوان نتیجه ساخت معانی بین ذهنی. (Cathy, 2001:16)

یکی از تناقضات پایدار زمینه‌گرایی آن است که پیش از هر چیزی روشی استقرایی است و از همان ابتدا این نکته اظهار شده بود و در عین حال به‌عنوان یک روش پساپوزیتیویستی در نظر گرفته می‌شود. پساپوزیتیویسم مانند سلف خود هنوز هم ارزش زیادی برای قیاس به‌عنوان روشی جهت کشف یک مشکل تحقیق قائل است. هدف اصلی زمینه‌گرایی تولید استقرایی نظریه رسمی در زمینه جامعه‌شناسی بود از طریق نظریه خودساخته. تئوری پسین مربوط به یک منطقه خاص است و ایده آن این است که در یک سطح معین بر تئوری‌های رسمی بزرگ‌تر و بیشتری سایه افکند. تشابهاتی بین روش زمینه‌گرایی و هرمنوتیک فلسفی ترسیم شده است. در یک سطح عملی، این می‌تواند در روش مقایسه مستمر تطبیق‌یافته توسط زمینه‌گراها به هنگام کدگذاری داده‌ها دیده شود. اشتراوس و کوربین از واقعیتی سخن می‌گویند که در واقع نمی‌توان آن را شناخت، اما همیشه تفسیر می‌شوند. از این رو ممکن است شاخص‌های مختلف جایگاه فلسفی برآمده از ادبیات موضوع به‌عنوان یک محصول از ایده‌ها و معرفت‌شناختی‌های تغییر یافته جدیدتر در تحقیق کیفی در نظر گرفته شود. مهم‌تر از همه آنکه این یک روش است و همچنین می‌تواند به راحتی در اکثر الگوها استفاده شود. (Cathy, 2001:16)

در ابتدا، گلیزر و اشتراوس پیشنهاد دادند که زمینه‌گرایی می‌بایست موارد ذیل را در برگیرد:

- مشغولیت هم‌زمان جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها
- ساخت کدهای تحلیلی و مقوله‌هایی از داده‌ها، نه از فرضیات منطقاً استنباطی از قبل
- استفاده از روش مقایسه مستمر که شامل انجام مقایسه‌هایی در طول هر مرحله از تجزیه و تحلیل می‌شود
- بسط و توسعه تئوری در هر مرحله از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها.
- یادداشت‌برداری به جهت شرح دقیق مقوله‌ها، تعیین خواصشان، تعریف روابط بین مقوله‌ها و شناسایی وقفه‌ها
- نمونه‌برداری باهدف ساخت تئوری، نه به‌عنوان نماینده یک مجموعه

- مرور ادبیات موضوع پس از توسعه یک تجزیه و تحلیل مستقل (Overton, 2010:3878)

تئوری تولید شده می‌بایست به محدوده مشکل مرتبط باشد، می‌بایست داده‌ها را در جای خود قرار دهد و کار کند، یعنی توضیح و درکی ارائه دهد و پیشگویانه باشد. این یک روش استقرایی در هر نظریه‌ای است که بر پایه داده‌های کیفی باشد. این ثابت نمی‌کند که نظریه موردنظر درست است، بلکه این تئوری مجموعه‌ای از فرضیات یکپارچه است. این تئوری حرف آخر در مورد آن موضوع نیست؛ بلکه یک گام در مسیر توسعه درکی کامل‌تر است. در هر منطقه پژوهشی، از نظریه انتظار می‌رود که یکپارچه شده باشد و این مبتنی بر این باور است که جهان اجتماعی ادغام شده است و این کار محقق است که آن را کشف کند و آن را به صورت نظریه ارائه دهد. (Anderson, 2006:330)

۳. رویکردها

یکی از واقعیتهای موجود در مورد روش زمینه‌گرایی انشعاب‌ها و اختلاف‌نظرهایی است که از همان ابتدا در نحوه انجام آن به وقوع پیوست. این مسئله حتی دامان مبتکرین آن را نیز در بر گرفت و اندکی پس از انتشار اولین مباحث در این خصوص، میان گلیزر و اشتراوس تفاوت رویه‌ای پیدا شد که در نشر کتاب مشترک اشتراوس و کوربین و انتقادهای وارد به آن از طرف گلیزر هویدا شد. زمینه‌گرایی که ارتباطی با هرمنوتیک فلسفی دارد ارائه‌دهنده یک گزینه برای برداشت‌های تجربه‌گرا و تاریخ‌گرا از علم است. پیشنهاد ماتریس مشروط اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰) که توجه به مقوله‌های زمینه‌ای بزرگ‌تر اعم از شرایط تاریخی، سیاسی و اقتصادی را یکپارچه می‌کند را می‌توان باتکیه بر یک رویکرد نسبی ملاحظه نمود. (Cathy, 2001) تعریف این دو تن از زمینه‌گرایی "روش تحقیقی کیفی بود که از مجموعه نظام‌مندی از روندها استفاده می‌کرد برای توسعه یک تئوری زمینه‌محور به دست آمده از استقرا در مورد یک پدیده. گلیزر در مورد این تغییر ادراک به یک رویکرد تجویزی "سیستماتیک" جدید که به داده‌ها تحمیل می‌شد به جای اینکه امکان ظهور به تئوری دهد عصبانی بود. او زمینه‌گرایی را این گونه تعریف می‌کند: یک روش کلی از تجزیه و تحلیل‌های مرتبط با جمع‌آوری داده‌ها است که از یک مجموعه کاربردی سیستماتیک از روش‌ها برای تولید یک نظریه استقرایی در مورد یک نظریه پسین استفاده می‌کند. (Gurd, 2008:123)

با تلاش برای توسعه یک روش تحقیق کیفی که با معیارها برای "علم خوب" در ارتباط است، اشتراوس و کوربین فرایندهای دقیقی از کدگذاری، طبقه‌بندی، چکیده‌سازی و نمونه‌برداری داده‌های بیشتر را طرح‌ریزی کردند. با پیروی از هدایت آنها، محققین باید استانداردهایی علمی را برای مشاهده نظری سازگاری، تعمیم‌پذیری، تکرارپذیری، دقت و اثبات‌پذیری برآورده سازند. (Laberg et al., 2001:163) دیدگاه بدون انتقاد نبوده و گلیزر را شاید بتوان مهم‌ترین منتقد آن دانست. مشکل اساسی گلیزر با کتاب اشتراوس و کوربین در عنوان جوابیه او مورد اشاره قرار گرفته است. او آن را درباره آنچه که او «تشریح به اجبار مفهومی» می‌نامد به جای ایجاد امکان تجزیه و تحلیل داده‌ها برای ظهور طبیعی از طریق مقایسه مستمر احساس کرد که فرایندی از مقایسه هر ذره از داده‌هاست که در برابر هر دو مقوله اصلی یعنی شرکت‌کنندگان و مقوله‌های نوظهور تحلیل می‌شود. (Cathy, 2001:17) گلیزر همچنین توصیه می‌کند که محقق تمام ادبیات موضوع مرتبط را قبل از جمع‌آوری و پردازش داده‌ها نخواند چنانچه این امر ممکن است ذهنش را با ایده‌هایی پر کند و ممکن است مانع آن چیزی گردد که از داده‌ها پدیدار می‌شود. در حقیقت گلیزر به پژوهشگر توصیه می‌کند که یک موضوع کاملاً متفاوت را تا زمان تأسیس یک نظریه خودساخته بخواند. در این موقعیت است که او خواندن ادبیات موضوع مرتبط را برای مقایسه توصیه می‌کند؛ بنابراین بر خلاف روش قیاسی - فرضی، پژوهشگر ادبیات موضوع را پس از کدگذاری داده‌ها می‌خواند. (Anderson, 2006:334)

با وجود اختلاف نظر میان دو حیطه اصلی ترسیم شده توسط بنیان‌گذاران زمینه‌گرایی، هر یک از این دو رویکرد فواید و مزایای متفاوتی دارند که این امر سبب می‌شود بنا به شرایط بتوان هر کدام را مورد استفاده قرارداد. در این خصوص می‌بایست نکاتی را که در یک دسته‌بندی کلی به صورت زیر بیان می‌شود را مورد توجه قرارداد.

نکات روش گلگیری:

- رویکرد موضوعی بدون پیش ذهنیات و داشتن یک علاقه پژوهشی به جای یک مشکل تحقیقاتی و برآمدن آن به طور طبیعی در طول فرایند.
- ادبیات موضوع می بایست با مفاهیم توسعه یافته یکپارچه شود.
- نظریه با ظهور از داده ها ساخته می شود.
- با درگیر شدن محقق با داده ها، تئوری به طور طبیعی ظهور می یابد.
- مناسب برای محقق باتجربه.
- نکات روش اشتراوسی:
- شناسایی یک پدیده در ابتدا.
- بررسی ادبیات موضوع اولیه برای کسب جزئیات.
- توسعه تکنیک های تحلیلی و ارائه راهنما.
- تئوری به عنوان یک ساختار ساخته شده در همکاری میان محقق و شرکت کنندگان.
- زمینه گرایی قابل تعمیم است.
- ساخت تئوری از کدگذاری محوری.
- راحت تر برای افراد تازه کار.

انشقاق رویکرد گلگیری و اشتراوسی انتهای تحولات زمینه گرایی نبود، بلکه در سال های بعد نیز گونه های جدیدتری از آن در دنیای علم معرفی شدند که مهم ترین آنها توسط خانم چارماز پیشنهاد شد که به عنوان زمینه گرایی ساخت گرا طبقه بندی شده و با تأکید بر عمل گرایی و ساخت گرایی معاصر، بر اساس دیدگاه ساخت گرایی استوار است. (Hamid et al., 2012:667) چارماز یک نسخه ساده شده و ساخت گرا از زمینه گرایی ارائه داد و بر عمل و فرایند تأکید می کند و در نظر برخی در مورد ساخت گرایی، معنا و ظهور در تعامل نمادین مکمل زمینه گرایی است. این حالت توسعه یافته وابسته تأیید پنج اصل است که تعهد شکلی و منطقی به رویکرد گلیر و اشتراوس دارد که عبارت اند از:

- ساختار تحقیق؛
 - هم زمانی جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها؛
 - تولید تئوری جدید به جای تأیید تئوری های موجود؛
 - پالایش و فرسایش مقوله های مفهومی از طریق نمونه گیری نظری،
 - و هدایت به سطوح تحلیلی انتزاعی تر. (Thomas and James, 2006:769)
- جدول شماره ۱ به اختصار ویژگی های عمده هر یک از این رویکردهای محوری مورد بحث را بیان می دارد.

جدول ۱: برخی از ویژگی های رویکردهای زمینه گرایی (Hamid et al., 2012:667)

نسخه	زمینه گرایی اولیه	رویکرد گلگیری	رویکرد اشتراوسی	رویکرد ساخت گرایی
در جای خود یک رویکرد روش شناختی است تا روندی از یک روش کیفی.	یک روش کلی از تجزیه و تحلیل مرتبط با جمع آوری داده ها است که از مجموعه کاربردی نظام مندی از روش ها برای تولید یک تئوری استقرایی در مورد یک موضوع حقیقی استفاده می کند.	یک روش تحقیق کیفی است که از یک مجموعه سیستماتیک فرایندی برای توسعه یک تئوری زمینه محور استنتاجی از طریق استقرایی در مورد یک پدیده استفاده می کند	روش زمینه گرایی دربرگیرنده راهنمایی هایی سیستماتیک و درعین حال انعطاف پذیر است برای جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده های کیفی به منظور ساخت خودکار تئوری های پایه ریزی شده در داده ها.	اولویت دادن به پدیده مورد مطالعه و دیدن هر دو وجه داده ها و تجزیه و تحلیل، آن چنان که از تجارب و روابط مشترک با شرکت کنندگان ساخته می شوند.
نکته مهم در تولید تئوری آن است که بر پایه داده های تجربی است به جای جستجوی ادبیات موضوع	عینیت، واقعیت خارجی، ناظران بی طرف	ناظران بی طرف، فرایندهای تکنیکی، نظر خاص شرکت کنندگان.	تمرکز بیشتر بر روی فرایند و تکنیک عمل پژوهش.	

استفاده ادبیات و مفاهیم	اجتناب از بررسی ادبیات موضوع در آغاز کار و در عین حال باز نگاه داشتن ذهن به هنگام بررسی آنها در مراحل بعد.	محققین باید استفاده از ادبیات موضوع را پیش از نظریه‌ها و قاعده‌مندسازی مفاهیم نادیده بگیرد.	از ادبیات موضوع به عنوان ابزاری برای قاعده-مندسازی سؤالات، توسعه نمونه‌گیری نظری و شناسایی ادبیات مرتبط به عنوان داده‌های ثانویه استفاده می‌کند.	پذیرش استفاده از ادبیات موضوع و پیشنهاد ساخت گراند تئوری را بر اساس مشغولیت، تعامل و فعالیت‌های عملی پژوهشگران در گذشته و حال ارائه می‌دهد.
فرایند کدگذاری	تنها بر روش مقایسه مستمر تأکید می‌کند	کدگذاری پسین (۱۹۷۸)، کدگذاری باز، کدگذاری انتخابی (۱۹۹۲)، و کدگذاری نظری	کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی	کدگذاری اولیه، کدگذاری متمرکز، کدگذاری نظری، یادداشت‌برداری
روش‌ها و معیارها	ارائه روش‌شناسی زمینه‌گرایی اولیه	روش نسبتاً بدون ساختار. امکان خلاقیت بیشتر را فراهم می‌آورد، اما خطر عدم انسجام و تمرکز را به همراه دارد.	روش تجویزی و ساختارمند. مدل نمونه به محققین تازه‌کار در جلوگیری از غرق شدن در داده‌ها کمک می‌کند؛ خطر قاعده‌مندی صرف و عدم انعطاف را در بر دارد	یک رویکرد نسبتاً ساختاریافته و در عین حال انعطاف‌پذیر.
ملاحظات	هشدار در برابر خطرات ناشی از «تحمیل» بر جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها.	بدون جستجوی ادبیات موضوع اولیه پژوهشگران تازه‌کار ممکن است در سازماندهی افکار خود و یا محدود کردن موضوعات تحقیق احساس مشکل کنند که ممکن است منجر به مشکلاتی در ساخت نظریه‌هایشان شود.	استفاده از ادبیات ممکن است در توسعه، اعتبار و تصفیه دانش در زمینه مورد نظر، قاعده‌مند کردن سؤالات، پیشنهاد نمونه‌گیری نظری، برانگیختن سؤالات، استفاده به عنوان منبع ثانویه داده‌ها، افزایش حساسیت، ایجاد مقایسه‌ها و گسترش یک نظریه به محققین کمک کند.	رویکرد گراند تئوری ساخت‌گرا انعکاس و تفسیر شخصی محققین و چیزهایی را که از شرکت‌کنندگان در پژوهش است پنهان می‌بخشد.

۴. روند

زمینه‌گرایی یک تکنیک پژوهشی است که تقریباً در یک روش معکوس نسبت به پژوهش‌های سنتی عمل می‌کند چرا که با تحقیق و توسعه یک فرضیه آغاز نمی‌شود. (Iurgel et al., 2009:253) در این روش تولید زمینه‌گرایی معمولاً از طریق یک مجموعه نظام‌مند از فرایندها صورت می‌گیرد که با مفاهیمی که به صورت استقرایی از یک مجموعه اولیه از توصیفات کیفی مشتق شده‌اند آغاز می‌شود. این مفاهیم سپس به مقوله‌های موقت کدگذاری می‌شوند که به مجموعه‌ی بیشتری از توصیفات و یا داده‌ها هدایت می‌کند. فرایند کدگذاری شامل مفهوم‌سازی داده‌ها به بخش‌های مجزا و یا واحدهای معنایی (یک واحد معنایی یک ایده متمایز در زمینه مورد مطالعه است)، سپس بررسی، مقایسه، مفهوم‌سازی مجدد و مرتب‌سازی آنها در مقوله‌ها می‌شود. (Gee et al., 2006:215)

رویکرد محقق کار بدون فرضیه است. داده‌های کیفی خام مورد مطالعه قرار می‌گیرند و کدگذاری می‌شوند. از کدها، مقوله‌ها پدیدار می‌شوند. می‌توان داده‌ها را به روش‌های مختلف برای افزایش درک در مورد مقوله‌ها، خواصشان و روابط بینشان تجزیه کرد. هر مقوله دارای خواصی است که توضیحات با مطالعه داده‌ها بدان می‌افزاید تا آنجا که اطلاعات بیشتر جزئیات بیشتری را اضافه نکند. این مقوله‌بندی در حال حاضر اشباع شده است. هنگامی که روابط بین مقوله پدیدار شد، ممکن است یک مقوله مشخص شود که سایرین را سازماندهی می‌کند، یک مقوله مرکزی. از اینجا تئوری شروع به شکل گرفتن می‌کند. (Anderson, 2006:330) یک گام مهم در این مسیر مقایسه پیش‌بینی‌ها یا فرضیه‌های مربوط به توانایی مقوله‌بندی گذشته برای دستیابی به پیش‌نویس جدید است. اگر مقوله‌های موجود موفق به تطبیق با داده‌های جدید نشدند، مقوله‌بندی جدید پایه‌ریزی شده و این روند ادامه می‌یابد. این اصلاح و پالایش مقوله‌ها و مقوله‌های زیرشاخه تا حد اشباع همچنان ادامه می‌یابد. اشباع زمانی اتفاق می‌افتد که تمام داده‌های جدید بدون نیاز به مقوله‌بندی، خواص و روابط جدید به طور مؤثر در مقوله‌های موجود کدگذاری شوند. سپس محقق ارتباط بین مقوله‌ها/ اجزا را ترسیم می‌کند و مدل بیشتر تصحیح می‌شود تا زمانی که نظریه صریح و روشن گردد. (Gee et al., 2006:216)

به عبارت دیگر مراحل تجزیه و تحلیل عبارت‌اند از: کدگذاری باز جهت شناسایی کدهای مربوطه، کدگذاری محوری و انتخابی مصاحبه‌ها و اسناد به منظور توسعه بیشتر کدها، ارتباط دهی آنها به یکدیگر و تمرکز آنها حول سؤال پژوهش و پس‌زمینه نظری، توسعه یک مجموعه از کد، کدگذاری همه داده‌ها و توسعه مفاهیم و مقوله‌ها. (Gugglberger, 2011:449)

به‌طور کلی مسیر کدگذاری به مقایسه و مشتق‌گیری مستمر بستگی دارد. مفاهیم مشابه با هم جمع می‌شوند تا مقوله‌ها شکل گیرند. در همان حین که داده‌های جدید ظهور می‌یابند مقوله‌ها به طور مداوم تصفیه و سازمان‌دهی می‌شوند و در همان حین که کدگذاری به پیش می‌رود معیار برای هر کد توسعه یافته و یادداشت می‌شود. به منظور تحقق اهداف، خلاصه هر متن به مفاهیم، تم اصلی، برداشت و نقل قول‌های نمونه تبدیل می‌شود و در مقایسه با یادداشت‌های نوشته شده در طول مصاحبه قرار می‌گیرند. هر خلاصه نشان‌دهنده درک جنبه‌های مهم از شرکت‌کنندگان است. بعد، کدگذاری محوری برای مفاهیم بین مقوله‌ای و درون مقوله‌ای بکار گرفته می‌شود. این کدگذاری نهایی شامل شناسایی و مقایسه روابط بین خواص کلیدی هر مقوله و ساخت نظریه محصول است. این نکته برای ساخت مقوله محوری و یا پدیده مرکزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (Kidd et al., 2011:156)

۵. ابعاد پژوهش زمینه‌گرایی

در یک پژوهش زمینه‌گرایی مؤلفه‌هایی جهت انجام صحیح آن مدنظر است از جمله آنکه از اساسی‌ترین ملزومات یک تحقیق خوب در این رویه، توجه به اصول مناسب پژوهش موردی است. مطالعات موردی نقش مهمی در ایجاد فرضیه‌ها و ساخت نظریه دارد. مطالعه موردی مزایایی را با خود همراه دارد. به عنوان مثال راهی است برای تعریف نمونه‌ها و نه تحلیل آنها، تشریح رفتار و یا فرایند جدید، درک چگونگی تأثیرات رفتار و فرایندها در متن و مزیتی طبیعی در پژوهش پیرامون کشف طبیعت. روش مطالعه موردی به درستی به عنوان یک راه خاص در تعریف مصادیق درک شده است و نه یک راه تجزیه و تحلیل آنها. مطالعات موردی برای کاوش فرایندها یا رفتارهای جدید و یا در حال ظهور و درک چگونگی تأثیرات رفتار و یا فرایندها در زمینه مفید است. گرینگ می‌نویسد که مطالعات موردی از یک مزیت طبیعی در تحقیق یک ماهیت اکتشافی لذت می‌برد. (Burford, 2011:2027) از این رو در زمینه‌گرایی جمع‌آوری داده‌ها ادامه می‌یابد تا زمانی که محقق آن را غیرضروری بیابد. زیرا اطلاعات جدیدی به دانش او نمی‌افزاید. این فرایند اشباع نامیده می‌شود. (Alipour et al., 2011:1823) البته توجه به هشدار گلیر ضروری است که رویکردهای مطالعه موردی نباید ظهور حقیقی نظریه را تحریف کند و همان‌گونه که فرناندز مطرح می‌کند، زمینه‌گرایی به عنوان یک رویکرد روش‌شناختی فراگیر در نظر گرفته شد و برای جمع‌آوری داده‌ها در مطالعات موردی جهت تجزیه و تحلیل و مقایسه مستمر استفاده شد. (Burford, 2011:2027) غیر از بحث حیطه تحقیق موارد دیگری نیز وجود دارد که در روش زمینه‌گرایی می‌بایست مورد توجه قرار گیرند و در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۵.۱. کدگذاری و مقوله‌بندی

در هنگام استفاده از الگوی کدگذاری ارائه شده توسط اشتراوس (۱۹۸۷) از محقق خواسته می‌شود تا داده‌ها را از حیث شرایط، تعامل میان عوامل، راهبردها، راهکارها و نتایج بررسی کند (Cathy, 2001:17) تا واحدهای معنایی شکل گیرد. یک واحد معنایی یک بخش حداقلی از متن است که یک ایده را می‌رساند. استفاده از کوچک‌ترین واحد معنایی ممکن از داده‌ها تضمین می‌کند که در مراحل بعدی انتزاع در طی توسعه مدل به درستی بر پایه داده‌ها باشد تا نظریه‌ای که بر آن تحمیل شده است. این تجزیه و تحلیل میکروسکوپی محقق را قادر می‌سازد تا با جزئیات داده‌ها بسیار آشنا شود. (Chambers et al., 2011:6)

این عمل را اصطلاحاً کدگذاری می‌نامند. کدگذاری مستلزم توجه دقیق است؛ زیرا نقش بزرگی در زمینه‌گرایی بازی می‌کند و شرایط و همچنین نتایج را توصیف می‌کند. (Gavareshki et al., 2012:5380)

اشتراوس و کوربین در تجزیه و تحلیل صورت گرفته در زمینه‌گرایی سه مرحله را پیشنهاد می‌کنند: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی. در طی کدگذاری باز محقق متن را می‌خواند و برای شناسایی کدهایی که نظری یا تحلیلی هستند سوالاتی می‌پرسد.

کدگذاری محوری برای ارتباط مقوله‌ها به مقوله‌های زیرشاخه استفاده می‌شود و خواص و ابعاد یک مقوله را مشخص می‌کند. بر طبق روش اشتراوس و کوربین کدگذاری محوری به سوالاتی مانند «چه زمانی، کجا، چرا، چه کسی، چگونه» و با چه نتیجه‌ای می‌پردازد. کدگذاری انتخابی شامل فرایند انتخاب و شناسایی مقوله هسته‌ای می‌شود و به صورت سیستماتیک آن را به مقوله‌های دیگر مرتبط می‌سازد. این نکته شامل اعتبارسنجی روابط مقوله‌ها نیز می‌شود. هدف اصلی روش زمینه‌گرایی یک مقایسه مستمر است. همچنین کدگذاری پیشین متن نیازمند بررسی است تا مشاهده شود که آیا کدهای جدید مرتبط هستند. (Duarte and Guerra, 2012:192) در برداشتی دیگر برای کدگذاری سه گام متمایز مطرح شده است: کدگذاری اولیه (به عنوان مثال شناسایی، نام‌گذاری یا برچسب‌زنی مقوله‌بندی متون مصاحبه)، به دنبال آن کدگذاری متمرکز (به عنوان مثال مرتب‌سازی، سنتز، یکپارچه‌سازی و رسم نمودار) و در انتها کدگذاری نظری به عنوان مثال شناسایی روابط بین مقوله‌ها، مفهوم‌سازی کدها، یکپارچه‌سازی یادداشت نظری در توسعه نظریه نهایی. (Hamid et al., 2012:669)

۵.۲. یادداشت‌برداری نظریه‌ای

قسمت حیاتی توسعه نظریه استفاده از یادداشت‌های نظری (گاهی اوقات یادداشت تحلیلی نامیده می‌شود) و نمودار یکپارچه است. یادداشت‌ها نوشته‌های تفصیلی نظریه‌پردازی هستند از ایده‌هایی در مورد کدها و روابطشان آن‌چنان که به هنگام کدگذاری برای تحلیلگر اشاراتی در خود دارند. (Cathy, 2001:12) یادداشت‌نویسی از اهمیت مرکزی در تجزیه و تحلیل نظری برخوردار است و در نهایت شامل فرضیه‌های نظریه ظاهر شده است. (Sward, 2012:107)

نوشتن یادداشت‌های نظری قویاً از جانب اشتراوس (۱۹۸۷)، اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰)، گلیزر (۱۹۷۸، ۱۹۹۲) به عنوان بخشی از روند توسعه زمینه‌گرایی توصیه می‌شود. ایده این است هر زمان که یک محقق به هنگام کدگذاری، ایده‌ای در ذهنش خطور کرد، در آن نقطه محقق باید دست نگه دارد و یادداشتی برای توسعه آن ایده‌ها بنویسد. (Cathy, 2001:12) از طریق یادداشت‌برداری در طی فرایند کدگذاری پژوهشگر می‌تواند نظریه‌هایی را که مربوط به موضوع هستند و در نتیجه می‌توانند به مرحله نظری مرتبط شوند کشف کند. در این مرحله مهم است که روابط بین مقوله‌ها از دیدگاه نظری مشخص شوند. (Sward, 2012:107)

سابقاً هنگامی که رونوشت‌ها انجام شده بود، داده‌ها خطبه‌خط کدگذاری شده بود. این نکته این توانمندی را به وجود می‌آورد تا ایده‌ها و مفاهیم خاصی از میان داده‌ها ترسیم شود که می‌تواند مقوله‌ها و زمینه‌های بالقوه‌ای را برای جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل بیشتر آنها در آینده نشان دهد. (Toner et al., 2012) یادداشت‌ها را می‌توان به عنوان روزنوشت‌های خصوصی دید که پژوهشگر درگیر آن است، جایی که محقق همچنین از محدودیت‌هایی از قبیل نیاز به نوشتن در یک اسلوب پالایش شده، آزاد است. همچنین یادداشت‌ها محقق را قادر می‌سازد تا بر تولید خلاقانه ایده‌هایی در مورد داده‌ها تمرکز یابد. (Cathy, 2001:12)

این یادداشت‌ها توسط محقق در طی فرایند تحقیق نوشته می‌شود و ایده‌هایی را در مورد داده‌ها و مقوله‌ها توضیح می‌دهد.

یادداشت‌برداری نظری "مرحله اصلی از روش زمینه‌گرایی" است و نوشته‌های تفصیلی نظریه‌پردازی هستند از ایده‌هایی در مورد کدهای خودساخته و روابط کدگذاری شده نظری‌شان. آن‌چنان‌که در طی کدگذاری، جمع‌آوری، تحلیل داده‌ها و یادداشت‌برداری پدیدار می‌شوند.

۵.۳. حساسیت تئوریک نظریه‌ای^۱

گلایزر توضیح می‌دهد که حساسیت نظری یعنی: یک توانایی برای تولید مفاهیم از داده‌ها و ارتباط دادن آنها به مدل‌های معمول نظریه در حالت کلی. در این معنی حساسیت نظری یعنی توانایی پاسخ به تفاوت‌های ظریف و اشارات به معنی در داده‌ها. حساسیت نظری‌ای که توانمندی شخصی در محقق است که نشان‌دهنده آگاهی موشکافانه او از معانی نهفته در داده‌ها است. به عبارتی دیگر اشاره دارد به داشتن بینش و توانایی برای معنابخشی به داده‌ها، ظرفیت ادراک و توانایی جداکردن آنچه مرتبط است از آنچه نیست. این امر در طی خلاقیت و کشف نظریه جدید نتیجه‌بخش است.

در این میان از دید گلایزر یکی از اصول حساسیت نظری آن است که محقق تا حد ممکن پیش از فرضیه‌ها با نظرات از پیش تعیین شده کمتری، به‌ویژه استنتاج منطقی، وارد محیط پژوهش شود. گفته می‌شود، حساسیت نظری با غرق شدن در ادبیات موضوع و ایده‌های عمومی همبسته افزایش می‌یابد، به‌طوری که یک محقق درک خواهد کرد که نظریه چیست؛ بنابراین ایده حساسیت نظری می‌تواند به‌عنوان یک حکم در برابر یک حالت قیاسی تفکر دیده شود تا فی‌نفسه یک حکم در برابر ادبیات موضوع. (Cathy, 2001:19)

۵.۴. نمونه‌برداری نظریه‌ای^۲

هدف گراند تئوری ضبط تمام بازخوردهای یک پدیده نیست، بلکه جمع‌آوری مجموعه‌ای از شاخص‌های توصیف‌کننده یک مفهوم مدنظر است. (Westcott et al., 2000:174) فرایند تولید داده‌ها نیازمند آن است که محقق به طور هم‌زمان جمع‌آوری، کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها را انجام دهد؛ بنابراین حجم نمونه با استفاده از داده‌های تولید شده و تحلیل شده تا حد اشباع اطلاعات مفهومی و عدم ظهور کدهای جدید تعیین می‌شود. این امر سبب می‌شود تا شرکت‌کننده یا شرکت‌کنندگان بر اساس تجربه یا تجربیاتشان در فرایند اجتماعی تحت بررسی انتخاب شود. با این وجود توصیه ویژه‌ای شده است تا محققین با دقت به داده‌های خود نزدیک باشند، به نمونه‌گیری نظریه‌ای به‌جای نمونه‌گیری آماری تأکید کنند، در جستجوی موارد منفی باشند که ممکن است نظریه‌شان را رد کند و نسبت به "وقایع مذکور" آگاه باشند. (Laberg et al., 2001:175) در این مسیر نمونه‌گیری نظری راه‌حلی است برای رسیدن به تعمیم‌پذیری و درجه اشباع به‌عنوان کلید شناخت زمان توقف مطرح است.

۵.۵. تحلیل مقایسه‌ای مستمر^۳

عناصر کلیدی این روش، فرایندهای تحلیلی کدگذاری داده‌ها و مقایسه مستمر داده‌های مرتبط با سؤالات پژوهش است. این نکته نظریه را برای ظهور از خلال کل فرایند قادر می‌سازد. (Kelly, 2010:288) مقایسه مستمر شامل تکرار مقایسه داده‌های دریافتی با مجموعه داده‌های قبلی است جهت بررسی اینکه آیا مقوله‌های در حال ظهور همچنان پایدارند. (Toner et al., 2012:4) به عبارت ساده، مقایسه مستمر شامل فرایند مقایسه دائمی نمونه‌هایی از اطلاعات است که شما به‌عنوان یک مقوله خاص به همراه نمونه‌های دیگری از داده‌ها مشخص می‌کنید تا ببینید که آیا این مقوله‌ها مناسب و کارا هستند.

استفاده از روش مقایسه مستمر به تحلیلگر قدرت مفهومی موردنظر را با سهولت و لذت می‌دهد. مقولات بر اساس مقایسه ظهور می‌یابند و مشخصه‌ها بر مقایسه بیشتر پدیدار می‌شوند و این همه‌ی آن چیزی است که در آن وجود دارد. (Cathy, 2001:18) فرایند تحلیلی مقایسه مستمر یک جزء کلیدی روش گراند تئوری است. حتی اگر ایده کلی این است که متن رونویسی شده به واحدهایی شکسته شود تا تجزیه و تحلیل ممکن شود، این را می‌توان از راه‌های مختلفی انجام داد. داده‌ها در این مرحله به طور مداوم مقایسه می‌شوند و چنانچه تعداد مقوله‌ها افزایش یابد، آنها مقایسه می‌شوند و منجر به مقولات انتزاعی‌تر می‌شوند. این چکیده‌نویسی ادامه می‌یابد تا زمانی که یک «مقوله هسته‌ای» یا مرکزی مفهوم‌سازی شود و این مقوله هسته‌ای نظریه را سازماندهی می‌کند. (Sward, 2012:107) در این مسیر در بیان گلیرز نخستین چیزی که به انجام مقایسه مستمر مرتبط می‌شود حادثه به حادثه است و سپس، زمانی که مفاهیم ظهور می‌یابند، حادثه به مفهوم، [که چگونگی تولید مقوله‌ها است] دوم پرسیدن سؤال بی‌طرفانه است. چه مقوله‌ای و یا چه خصوصیتی این حادثه را نشان می‌دهد؟ (Cathy, 2001:11)

۶. اعتبار سنجی

اکثر محققین در اولین استفاده خود از زمینه‌گرایی با مشکلاتی مواجه می‌شوند. اول، دانستن اینکه آیا کدهایی که تعیین شده توسط دیگران نیز به همان شیوه تفسیر خواهد شد؟ اینکه آیا محقق به واسطه همه آنچه که قبلاً خوانده شده، تحت تأثیر قرار گرفتن است و مفاهیم را از جایی دیگر بکار نگرفته است؟ و اینکه با وجود توصیه‌های اشتراوس، تصمیم‌گیری سطح «قطعات» داده‌ها در چه سطحی انجام پذیرد (در سطح کلمات یا در سطح جمله)؟

مسئله اعتبار به واسطه صحت و اعتبار داده‌ها، شایستگی فرایند پژوهش و پایه‌های تجربی یافته‌های پژوهش بیان می‌شود. (Sarlio-Lahteenkorva, 1998:204) در زمینه‌گرایی خوب بودن و یا نبودن درستی یا کامل بودن آن در مفهومی مطلق نیست، بلکه آنچه ضروری است این است که آیا در ارائه بینش و درک یک طیف وسیعی از شرایط، فراتر از جایی که از ابتدا در آن پرورش یافته، مفید است. (Maru and Woodford, 2007:9) به همین جهت روند مرتبط کردن نظریه پسین با ادبیات موضوع با توالی اطمینان‌بخشی و چالش‌آفرینی همراه است. اطمینان‌بخشی زمانی است که بتوان نظریه توسعه یافته خود را به واسطه ادبیات موضوع، آراسته، استوار و تأیید شده دید و چالش‌آفرینی زمانی است که به نظر برسد ادبیات موضوع در تناقض با نظریه ارائه شده است. چنانچه ادبیات موضوع در تضاد با نظریه پسین به نظر رسید، به داده‌ها رجوع می‌شود. آنجا که آن قسمت خاص برآمده است، در تجزیه و تحلیل تجدیدنظر می‌گردد. به نظر می‌رسد این فرایند به واسطه اصول کلان و مایرز برای هدایت و ارزیابی زمینه مطالعات تفسیری تشدید شد، یعنی اصول انتزاع و تعمیم و اصول تفاسیر متعدد. (Cathy, 2001:13) همچنین برای اعتبار بیشتر ساختار کدگذاری با استفاده از یک یا چند فرد مستقل، از مطالعه برای کدگذاری یک نمونه از رونوشت‌ها و سپس مقایسه تعاریف کدگذاری آن با تعاریف نویسنده استفاده می‌شود. ساختار کدگذاری نهایی با اصلاح هر گونه نظریات اختلافی صورت می‌گیرد. (Clemence and Seamark, 2003:579) داوران مستقل مقوله‌ها و روابط متقابل آنها را تأیید می‌کنند (Laberg et al., 2001:165) که در حالتی این امر می‌تواند در یک بسته انتخابی تصادفی سی و سه درصدی از داده‌ها صورت گیرد. (Gee et al., 2006:218)

اشتراوس و کوربین مفهوم تفکر تطبیقی را برجسته کردند، یعنی مقایسه حادثه به حادثه داده‌ها. متناوباً ممکن است برای مقایسه در ادبیات و یا پدیده‌های از قبل تجربه شده جستجو شود. روش‌های دیگر که شاید برای حفظ حدود مورد استفاده قرار گیرد بررسی دیدگاه‌های مختلف شرکت‌کنندگان و یا جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از انواع تکنیک‌های مانند مصاحبه، مشاهده و پرسش‌نامه است. اساساً این حالت از اعتبار سه‌گانه سازی داده‌ها است. (Overton, 2010:3879) بررسی اسناد امکان سه‌گانه سازی داده‌ها را به وجود می‌آورد و وسیله‌ای برای ارزیابی پایایی اطلاعات ارائه شده در طی روند تحقیق را فراهم می‌کند. (Gee et al., 2006:217) در بیانی ساده به منظور تضمین تولید نظریه‌های خوب به عنوان نتایج موردنظر زمینه‌گرایی، چند راه‌برد دنبال می‌شود.

نخست برای اعتبار روند جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، با استفاده از یک همکار برای بررسی فرایند، دیدگاه‌ها و روش‌های متعددی در نظر گرفته می‌شود، رونوشت‌های مصاحبه، برگه‌های کدگذاری و تفسیر به یک همکار باتجربه در امر تحقیق کیفی برای مطالعه و تعیین اینکه آیا این روند در شیوه‌ای مناسب و سیستماتیک انجام شده است، ارائه می‌گردد. ثانیاً، برای ایجاد اعتبار در فرایند کدگذاری سوابق برای مقایسه مستمر مقوله‌ها مورد توجه قرار خواهد گرفت که از سخنان مصاحبه‌شوندگان به همراه یادداشت‌ها یا نکته‌برداری‌های بازنگرشی پدیدار شده‌اند. سوم، تأیید نتایج به دست آمده همچنین از طریق کنترل اعضا انجام می‌شود، یعنی یافته‌های نهایی مطالعه به شرکت‌کنندگان ارسال خواهد شد که از آنها خواسته می‌شود تأیید کنند که روی هم رفته یافته‌ها، تجارب و معانی فردی‌شان را که سعی می‌کنند به محققین منتقل نمایند را به درستی منعکس می‌کند. همچنین، همان گونه که برخی از نویسندگان زمینه‌گرایی توصیه می‌کنند، برای انجام مصاحبه با شرکت‌کنندگان با درخواست از آنها برای نظر دادن در مورد میزان تناسب توصیفات و یافته‌های تحقیق با تجارب آنها برنامه‌ریزی می‌شود. (Hamid et al., 2012:670)

از جمله راهبردهای دیگر مورد استفاده در یک مطالعه کیفی تجزیه و تحلیل مورد منفی و یک نگرش بازاندیشی است. تجزیه و تحلیل مورد منفی شامل جستجوی به عمد نمونه‌هایی از داده‌ها است که به نظر می‌رسد چارچوب کدگذاری در حال ظهور را رد می‌کنند و پس از آن استفاده از این به اصطلاح "موارد منفی" به منظور توسعه یک تجزیه و تحلیل جامع‌تر است. بازاندیشی با در نظر گرفتن یک دفترچه روزانه پژوهش در سرتاسر مدت مطالعه راحت‌تر می‌شود، به عبارتی دیگر ارائه یک پیگیری حساب شده. (Clemence and Seamark, 2003:579)

۷. محصول نهایی

یک تئوری تنها زمانی شکل می‌گیرد که محقق با مقدار زیادی از مفاهیم، نکات و داده‌های کیفی روبرو شود. (Gavareshki et al., 2012:5380) یک نظریه به اساتید در درک اینکه چه نوع گزینه‌هایی آنها می‌توانند در یک زمینه داده شده واقعی، داشته باشند، کمک می‌کند. (Sward, 2012:106) پژوهشگران نظریه‌محور اغلب بین مراحل تجزیه و تحلیل و حتی بین مراحل جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها، با استفاده از روش مقایسه مستمر و نمونه‌برداری‌های نظری حرکت می‌کنند. (Laberg et al., 2001:165) اشتراوس استفاده از الگوهای یکپارچه را به عنوان راهی برای یکپارچه‌سازی رگه‌های متعدد تئوری پدیدار شده پیشنهاد می‌کند. رسم نمودار برای مطالعه از دو دیدگاه ارزشمند است. در مرحله اول، راهی برای تجسم روابط بین مقوله‌ها است. دوم، یکی از راه‌های اشاعه ماهیت لزوماً خطی یادداشت‌های نظری نوشته شده است. همچنین به هنگام توضیح ایده‌ها به دیگران، نمودار به عنوان یک ابزار ارتباطی مفید به اثبات می‌رسد. از همه مهم‌تر (و این امر برای یادداشت‌ها نیز کاربرد دارد) نمودارها دیدگاه متفاوتی را برای مشاهده نظریه در حال توسعه فراهم می‌کنند که در طول دوره‌های کدگذاری مفید است. (Cathy, 2001:12)

در انتها اشاره به این نکته ضروری می‌رسد که سه مرحله اصلی نظریه در حال ظهور را تعریف می‌کنند: تقلیل، نمونه‌برداری از ادبیات موضوع و نمونه‌برداری از داده‌ها. در طی تجزیه و تحلیل داده‌ها، به مقدار گیج‌کننده‌ای مقوله‌ها ظهور می‌یابند که لازم است تقلیل یابند. تقلیل مقوله‌ها تعیین‌کننده فرایندهای اجتماعی اولیه یا متغیرهای اصلی است و مقایسه مقوله‌ها امکان دیدن اینکه آنها چگونه خوشه‌بندی و یا در سایه یک مقوله گسترده دیگر مرتبط می‌شوند را به وجود می‌آورد. نتیجه تقلیل یک خوشه‌بندی از مقوله‌ها است که به هنگام ترکیب یک مقوله با دامنه گسترده‌تر را شکل می‌دهند. نمونه‌برداری از ادبیات موضوع نیز به طور هم‌زمان با تجزیه و تحلیل داده‌ها رخ می‌دهد. این مرحله به پژوهشگر کمک می‌کند تا با کارها آشنا شود و آنها را در بخش‌های مفقودی نظریه در حال ظهور جای دهد. همچنین از طریق نمونه‌برداری از داده‌ها، اشباع مقوله‌ها اتفاق می‌افتد. مقایسه این داده‌ها مشخص می‌کند که آنها تحت چه شرایطی رخ می‌دهند و آیا این مفاهیم، مرکزی به نظر می‌رسند؟

۷.۱. زمینه‌گرایی در معماری و شهرسازی

آنچه در باب روش گراندد تئوری در این نوشتار مورد توجه قرار گرفت، نشان‌دهنده توانمندی‌های این روش برای تحقیقاتی است که سعی در تطبیق واقعیت و نظریات مختلف برای تدوین نظریه‌ای جدید و مستدل دارند.

از این رو با توجه به حضور هم‌زمان دو عرصه واقعیت و نظر در بسیاری از پژوهش‌های معماری و شهرسازی، روش مذکور می‌تواند راهنمایی قابل‌اعتماد برای پژوهشگران این عرصه باشد. در این میان نکته اساسی توجه به فرایند و روندی است که می‌بایست در این روش بدان توجه نمود. بر اساس این روند محققین این حوزه می‌بایست ارتباط تنگاتنگی با موضوع تحقیق خود داشته باشند و سعی در استفاده هم‌زمان شواهد عینی و تئوریک در نظامی سلسله‌مراتبی و ارزیابی‌کننده داشته باشند. استفاده از این روش به‌ویژه برای آن دسته از مطالعات عرصه معماری و شهرسازی مطلوب است که سعی در بررسی این حوزه در بستر تحولات و ارتباطات انسانی دارند. چرا که از این بعد می‌توان شرایط کالبدی محیط مصنوع را جزئی از یک فرایند اجتماعی دانست که خاستگاه اصلی روش مذکور است. این روش همچنین برای معماران و شهرسازان به‌عنوان یک حوزه تحقیقاتی بین‌رشته‌ای این امکان را فراهم می‌آورد که بدون پیش‌داوری‌های عجولانه، نظریات و مطالب ارائه شده در سایر تحقیقات را به واسطه بستر تحقیق خویش مورد ارزیابی قرار دهند و از هر یک در جایگاه خود استفاده نمایند. با این روش می‌توان دریافت که چه نظریاتی، کجا و چگونه مورد استفاده قرار گیرند تا محقق به نظریه‌ای جدید در تطابق با واقعیت و پیشینه تحقیق دست یابد.

۸. نتیجه‌گیری

زمینه‌گرایی روشی است که در یک تحقیق بر همراهی مؤثر متن تحقیق و ادبیات موضوع تأکید دارد. در این روش آنچه بیش از همه اهمیت می‌یابد فرایند و اصولی است که محقق می‌بایست بدان پایبند باشد. از این رو نحوه مداخله مطالعات و نظریات پیشین به‌صورت کنترل‌شده‌ای در آن صورت می‌پذیرد.

این روش در طول زمان به گرایش‌های مختلفی تفکیک شده است؛ اما در همه این موارد کلیت خاصی در تحلیل داده‌ها و نمونه‌برداری‌ها وجود دارد که از آن می‌توان به‌عنوان اساس روش تحقیق گراند تئوری یاد کرد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این روش بر مبنای تشخیص واحدهای معنایی و کدگذاری آنها صورت می‌پذیرد. این کدگذاری‌ها که در مراحل مختلف و به‌صورت سلسله‌مراتبی به انجام می‌رسد غالباً در سطوح متمایز کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی طبقه‌بندی می‌شوند و نظریه جدید در طی این فرایند تحلیلی ظهور می‌یابد. البته بنا به آنچه در متن بیان شد، کدگذاری‌ها در رویکردهای مختلف گراند تئوری می‌تواند حالت‌های دیگری را نیز به خود گیرد.

یادداشت‌برداری، داشتن حساسیت نظریه‌ای و نمونه‌برداری تا رسیدن به قاعده اشباع از اصول اساسی پیمودن روش مذکور است و به همین سبب پژوهش‌های موردی از ابزار مهم گراند تئوری محسوب می‌شود. همچنین در این روش محقق همواره می‌بایست به تحلیل‌های مقایسه‌ای برای کنترل مسیر تحلیل‌ها و اصلاح نظریه پرورش یافته دست زند.

در گراند تئوری برای سنجش اعتبار تحلیل‌ها و مسیر پیموده شده به روش‌های مختلفی عمل می‌شود که کمک گرفتن از افراد دیگر که هم‌رده محقق در موضوع تحقیق محسوب می‌شوند برای تحلیل بخشی از داده‌ها و کنترل آن با نتایج مشابه از جمله موارد مرسوم است. استفاده از ابزار مختلف در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها از قبیل مشاهده، مصاحبه و پرسش‌نامه و مقایسه آنها با یکدیگر در کنار بررسی نتایج در گفتگو میان افراد شرکت‌کننده در تحقیق و مخاطبان آن از جمله راه‌های دیگر سنجش میزان اعتبار یافته‌ها محسوب می‌شود و به‌عنوان تأیید نظریه برآمده می‌توان به بررسی و یافتن نمونه‌های منفی دست زد.

در مجموع این روش به سبب همراهی در دو حوزه متفاوت عینیات و نظریه‌ها و نیز توجه به حلول یک نظریه جدید بر پایه مشاهدات و مصاحبه‌های صورت‌گرفته در مصادیق تحقیق، فرصت بسیار مناسبی برای پژوهشگران عرصه عینیات فرهنگی و اجتماعی از جمله معماری و شهرسازی محسوب می‌شود.

منابع

- ALIPOUR, V., ALAMOLHODA, SARMADI & KALLEH, M. H. (2011) Applying E-Learning in Realization of Gender Equality in Education and Promotion of Women's Psychological Security in Iran. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 1821-1825.
- ANDERSON, J. (2006) Well-suited partners: psychoanalytic research and grounded theory. *Journal of Child Psychotherapy*, 32, 329-348.

- BRAND, R. M., HARROP, C. & ELLETT, L. (2011) What is it like to be friends with a young person with psychosis? A qualitative study. *Psychosis*, 3, 205-215.
- BURFORD, S. (2011) Complexity and the practice of web information architecture. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 62, 2024-2037.
- CATHY, U. (2001) An encounter with grounded theory: tackling the practical and philosophical issues. IN EILEEN, M. T. (Ed.) *Qualitative research in IS*. IGI Publishing.
- CHAMBERS, J. C., HORVATH, M. A. H. & KELLY, L. (2011) Reconstructing and sequencing behaviours in multiple perpetrator rape. *Psychology, Crime & Law*, 1-23.
- CLEMENCE, M. L. & SEAMARK, D. A. (2003) GP referral for physiotherapy to musculoskeletal conditions--a qualitative study. *Fam. Pract.*, 20, 578-582.
- DUARTE, J. & GUERRA, A. (2012) User-Centered Healthcare Design. *Procedia Computer Science*, 14, 189-197.
- GAVARESHKI, M. N., HADDADIAN, F. & HASSANZADEHKALLEH, M. (2012) The Role of Education, Educational Processes, and Education Culture on the Development of Virtual Learning in Iran. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 46, 5379-5381.
- GEE, D., WARD, T., BELOFASTOV, A. & BEECH, A. (2006) The structural properties of sexual fantasies for sexual offenders: A preliminary model. *Journal of Sexual Aggression*, 12, 213-226.
- GUGGLBERGER, L. (2011) Support for health promoting schools: a typology of supporting strategies in Austrian provinces. *Health Promot. Int.*, 26, 447-456.
- GURD, B. (2008) Remaining consistent with method? An analysis of grounded theory research in accounting. *Qualitative Research in Accounting & Management*, 5, 122 - 138.
- HAMID, W. H. W., SAMAN, M. Z. M. & SAUD, M. S. (2012) Exploring Factors Influencing the Transfer of Training using a Grounded Theory Study: Issues and Research Agenda. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 56, 662-672.
- IAQUINTO, B. L. (2011) Fear of a Lonely Planet: author anxieties and the mainstreaming of a guidebook. *Current Issues in Tourism*, 14, 705-723.
- IURGEL, I., ZAGALO, N., PETTA, P., CORRADINI, A., MEHTA, M. & ONTAN, S. (2009) Evaluation of a Drama Manager Agent for an Interactive Story-Based Game. *Interactive Storytelling*. Springer Berlin Heidelberg.
- KELLY, M. (2010) The role of theory in qualitative health research. *Fam. Pract.*, 27, 285-290.
- KIDD, M. O., BOND, C. H. & BELL, M. L. (2011) Patients' perspectives of patient-centredness as important in musculoskeletal physiotherapy interactions: a qualitative study. *Physiotherapy*, 97, 154-162.
- LABERG, S., TORNKVIST, A. & ANDERSSON, G. (2001) Experiences of Patients in Cognitive Behavioural Group Therapy: A Qualitative Study of Eating Disorders. *Scandinavian Journal of Behaviour Therapy*, 30, 161-178.
- MARU, Y. T. & WOODFORD, K. (2007) A resources and shaping forces model for community-based sustainable development. *Community Dev. J.*, 42, 5-18.
- MATTSSON, B. & MALINIEMI-PIISPANEN, S. (2011) An interview study with a Finnish war child. *The Scandinavian Psychoanalytic Review*, 34, 31-40.
- ONONEZE, V., MURPHY, A. W., MACFARLANE, A., BYRNE, M. & BRADLEY, C. (2009) Expanding the value of qualitative theories of illness experience in clinical practice: a grounded theory of secondary heart disease prevention. *Health Educ. Res.*, 24, 357-368.
- OVERTON, D. T. (2010) Formation of a Children's University: Formative issues and initial concerns. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 2, 3876-3882.
- ROBERTS, K. & CLARKE, C. (2009) Future disorientation following gynaecological cancer: Women's conceptualisation of risk after a life threatening illness. *Health, Risk & Society*, 11, 353-366.
- SARLIO-LAHTENKORVA, S. (1998) Relapse stories in obesity. *Eur J Public Health*, 8, 203-209.
- SWARD, A.-K. (2012) Re-learning in Reading and Writing - is it Possible? *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 69, 104-113.
- THOMAS, G. & JAMES, D. (2006) Reinventing grounded theory: some questions about theory, ground and discovery. *British Educational Research Journal*, 32, 767-795.
- TONER, J., DAICHES, A. & LARKIN, W. (2012) Asking about trauma: the experiences of psychological therapists in early intervention services. *Psychosis*, 1-12.
- WESTCOTT, R., SWEENEY, G. & STEAD, J. (2000) Significant event audit in practice: a preliminary study. *Fam. Pract.*, 17, 173-179.